

ادامه از صفحه اول

کارگزاران علیه برادر بزرگتر

یوست‌اندازی، تغییری ظاهری است برای حفظ وضعیت موجود و یافتن راهکارهایی برای بازگشت به قدرت به نام مردم. تغییر جدی در عرصه سیاست، از طریق تغییر نگرش در راهکارهای اقتصادی امکان‌پذیر است که ارضا نیاز به تئوری و چارچوب دارد. مگر نه این است که در ۱۶ سال دولرداری اصلاح‌طلبان در دوره هاشمی‌فسنجانی و خاتمی، اقتصاد، براساس تئوری بازار آزاد شده است. دولت احمدی‌نژاد و روحانی تجلی اوج نابسامانی این دیدگاه و روش اقتصادی است. اگر اصلاح‌طلبان باید برنامه بدهند، کارگزاران سازندگی که نشان داده بیش از هر چیز دغدغه اقتصاد دارد، برنامه‌اش چیست؟ اگر رئیس دولت اصلاحات و اصلاح‌طلبان هنوز مقبولیت دارند، این مقبولیت نشئت‌گرفته از دولت اصلاحات است که به طور کامل تن به نظام بازار آزاد نداد. هر نظام اقتصادی در پی چهار هدف است: اول بیشترین تولید و پیشرفت تکنیکی، دوم رسیدن به عدالت توزیعی، سوم ایجاد امنیت برای تهیدستان در برابر فجایع طبیعی و اقتصادی و دست آخر افزایش امیال آفرینش‌گرا و کاستن از امیال مالکیت‌گرا». با یک محاسبه سرانگشتی می‌توان گفت دولت‌های ما در رسیدن به هر چهار هدف ناکام بوده‌اند. پاشنه‌اشیل همه جریان‌های سیاسی، اطاعت از امیال مالکیت‌گرا است. بررسی کارنامه برخی از مقامات و کارگزاران سیاسی و اقتصادی بیان‌کننده این نکته است که دولت‌ها نه‌تنها امیال مالکیت‌گرا را سرکوب نکرده‌اند؛ بلکه در پوشش خصوصی‌سازی از مردم، سلب مالکیت نیز کرده‌اند. آنچه بعد از گذشت چهار دهه مردم را از سیاست دلزده کرده، صرفا گفتمان اصلاح‌طلبی یا اصولگرایی نیست، بلکه گفتمانی است که بر دیدگاه‌های اقتصادی منفعت‌گرا چفت‌وبست شده است. یقینا اصلاح‌طلبی نیاز به اصلاح دارد. نه پوست‌اندازی پسرای ادامه وضعیت موجود؛ بلکه تغییر در نگرش‌های اقتصادی که جانب مردم را بگیرد. شاید اقدام انقلابی نیاز نباشد؛ اما اندیشه انقلابی ضروری است.

✱ «**کتاب «آرمان‌های سیاسی»**، برتراند راسل، ترجمه ارجام عموی‌فومنی، نشر مرکز.

«آوریل سیاه نفت» پایانی دارد؟

آشفتنکی بازار نفت در یک ماه گذشته با وجود توافق بزرگ نفتی، به حدی بالا گرفت که از عنوان آوریل سیاه برای بازار نفت یاد می‌شود. فارغ از این شرایط، بسیاری از ناظران اقتصادی در انتظار عملیاتی‌شدن این توافق از جمعه اول می و مشاهده اثرات آن بر بازار بودند. انتظاری که البته چندان خوش‌بینانه به نظر نمی‌رسد. به اعتقاد اکثر ناظران، بازار نفت با توجه به تداوم آثار ناشی از شیوع کرونا، همچنان تا سه ماه آینده آشفته باقی می‌ماند و تقاضا در این بازار دست‌کم تا شش ماه آینده اگر بیشتر از سطح کنونی کاهش نیابد، افزایش نخواهد داشت. بازار نفت هم‌اکنون به اعتقاد کارشناسان اقتصادی و نفتی، با بیش از ۳۰ میلیون بشکه نفت مازاد مواجه است و کاهش ۱۰ میلیون بشکه‌ای نفت نمی‌تواند موجب رشد قیمت‌ها در این بازار شود. از سوی دیگر آنچه این شرایط را می‌تواند بیشتر آشفته کند، به‌یادآینسیدن ظرفیت ذخیره‌سازی و انباشت بیشتر نفت است که علاوه بر مخازن خشکی، بسیاری از تانکرهای حامل نفت درحال‌حاضر در نقش ذخیره‌کننده نفت فعال شده‌اند. محتوای توافق اخیر تولیدکنندگان نفت و برنامه‌ریزی آنها برای کاهش تولید تا دو سال آینده نیز حکایت از پیش‌بینی احیاناًشدن بازارا نفت به شرایط ابتدای سال ۲۰۲۰ دست‌کم تا دو سال آینده است؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود کشورهای عمده تولیدکننده با رصد تحولات مفته‌های آینده و میزان تأثیرپذیری بازار نفت از کاهش واقعی تولید نفت، وادار به اتخاذ تصمیمات جدیدی شوند که این تصمیمات احتمالا چیزی جز توافقی برای کاهش بیشتر تولید برای ایجاد توازن نسبی در عرضه و تقاضای نفت نباشد. جدای از کاهش شدید قیمت نفت، مسئله مهم آن است که این بحران رقابتی سخت در بازار نفت را مدتی در کنار هم قرار خواهد داد و چه بسا ساختار و روندهای مؤثر بر بازار نفت و ازجمله نهادهای بین‌المللی مانند اوپک، تحولات بزرگی را در پیش داشته باشند.

نگاه

ثبت نام مشمولین سهام عدالتی که کد بورسی ندارند در سجام

● یک مقام مسئول در سازمان خصوصی‌سازی گفت: مشمولان سهام عدالتی که کد بورسی ندارند، در صورتی که «روش آزادسازی مستقیم» را انتخاب کرده باشند، باید در «سامانه سجام» ثبت‌نام کنند.مهدی طریحی، مدیرکل فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان خصوصی‌سازی در گفت‌وگو با مهر، گفت: آن دسته از هم‌وطنان سهام‌دار سهام عدالت که کد بورسی ندارند، در صورتی که «روش آزادسازی مستقیم» را انتخاب کرده باشند، می‌بایست متعاقبا نسبت به ثبت‌نام در «سامانه جامع ثبت اطلاعات مشتریان (سجام)» با نشانی اینترنتی https://www.sejam.ir و مطابق با دستورالعمل و فرایندهای مربوطه نسبت به دریافت کد سجام اقدام کنند.

شرق: نام «کارگر» همواره با کار در کارخانه تداعی

شده اما مفهوم آن در عصر ما جامع‌های بزرگ‌تر از کارگران کارخانه را شامل می‌شود. زنان و مردانی که در مشاغل غیررسمی بدون پوشش بیمه تامین اجتماعی (غیردرمانی) روز‌مزدی کار می‌کنند و نه صدایی در رسانه‌ها دارند، نه جایی در آمارهای رسمی اشتغال و نه جایی در طرح‌های حمایتی معیشتی. به گواه آمار مرکز پژوهش‌های مجلس از ۷۰ درصد جمعیت کم‌درآمد حاضر در مشاغل بنگاه‌های زیر پنج نفر کارکن، دست‌فروشی، ساختمان‌ی، فصلی و دیگر مشاغل غیررسمی، فقط ۱۲ درصد آنها تحت پوشش بیمه هستند. اگر شیوع کرونا سلامت همگان را به خطر انداخته، برای این کارگران کرونا با مرگ شغل و درآمدشان ظهور کرده است. تا سال ۹۶ طبق آمار شهرداری تهران، تعداد دست‌فروش‌ها بین چهار تا شش هزار نفر بوده اما تا تابستان ۹۸ حدود ۲۰ هزار نفر امکان داشتن شغل و درآمدی جز دست‌فروشی نداشته‌اند و در یک بازه زمانی یک‌ونیم ساله تعداد دست‌فروش‌ها تقریبا چهار تا پنج برابر شده است. معیشت از پیش شکننده و آسیب‌پذیر این کارگران غیررسمی در روزهای کرونایی چطور می‌گذرد؟ در این گزارش تلاش کرده‌ایم به بهانه روز جهانی کارگر، از کارگرانی یاد کنیم که حیات اقتصادی اجتماعی آنها این روزها بیش از پیش در تعلیق است.

درآمدمان زیر صفر است

از کنار آنها رد می‌شویم. هزاران زن و مردی که کار می‌کنند اما با برچسب «غیررسمی» قرار است دیده نشوند و صدایشان را نشنویم، نه در آمارها و نه در رسانه‌ها. دست‌فروش‌ها، کارگران ساختمانی، زنان خانه‌دار، میوه‌چین‌ها و دست‌چین‌های فصلی و هزاران نفری که در مشاغل غیررسمی کار می‌کنند و نه بیمه می‌شوند و نه کارشان تأیید دارد. حالا با شیوع کرونا اولین جمعیت مشاغلی که شغل و درآمدشان را از دست داده‌اند و آخرین کسانی که برای دریافت بسته‌های حمایتی شناسایی می‌شوند، همین کارگران هستند. مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید سیاست‌های حمایتی دولت در برابر این تهیدستان شهری ناکارا بوده و به‌دلیل جهت‌گیری سیاستی و همچنین ضعف اطلاعاتی این افراد جایی در میان جامعه هدف حمایتی دولت در برابر کرونا پیدا نکرده‌اند. این نهاد تحقیقاتی این جمعیت شاغل را بی‌صدایان فاجعه کرونا می‌نامد. کسانی که بیش از ۷۰ درصد اشتغال‌زایی را شکل می‌دهند اما به‌دلیل غیررسمی‌بودن فقط ۱۲درصد آنها تحت پوشش حمایتی بیمه هستند. روایت خود افراد حاضر در این مشاغل هم بیان ملموس پس‌لرزه‌های کرونایی در معیشتشان است. بابک، یکی از دست‌فروش‌های تهران می‌گوید از ابتدای اسفند درآمدش به صفر رسیده و اگر هر مغازه‌داری برای حفظ کاسی‌اش امروز در معرض فشار آبی کرده بود، او و کسانی مانند او ادامه بقایش در خطر است.

اقتصاد

«شرق» به بهانه روز جهانی کارگر از وضعیت مشاغل غیررسمی در دوره کرونا گزارش می‌دهد

شاغلان طرد شده اقتصاد رسمی



عکس کیوان شیروزی، تسنیم

بابک درباره وضعیت دست‌فروشان با آمدن ویروس کرونا به «شرق» توضیح می‌دهد: دست‌فروشی در ایران شغل غیررسمی محسوب می‌شود و همین اصلی‌ترین دلیلی است که بیشتر از بقیه شاغلان رسمی در بحران کرونا آسیب دیده‌اند. او به اینکه مشاغل غیررسمی مانند دست‌فروشی هیچ شکل و سازمانی ندارند که پشتیبان آنها باشد، می‌گوید و ادامه می‌دهد: در شغل‌های مختلف ما می‌بینیم که آمار اولی‌های از تعداد مبتلایان و فوت‌شدگان بر اثر کرونا ثبت می‌شود اما در مورد این مشاغل حتی این آمار هم موجود نیست. در ابتدای شیوع کرونا برخی از دست‌فروشان به‌دلیل عدم اطلاع‌رسانی دقیق از عمق شیوع و انتقال ویروس در خیابان ماندند، همین عامل ابتلا میان آنها را بالا برد. این را هم در نظر بگیرید کسی که بقایش از درآمد روزانه است چطور می‌تواند در خانه بماند و زندگی بگذراند. برخی هم مانند من که دلیلی بیماری‌های زمین‌های جزء گروه برخطر محسوب می‌شویم، از کار بی‌کار شدیم و از ابتدای اسفند تا الان درآمدم صفر شده است.درباره ارانه بسته حمایتی یک میلیون‌تومانی بنیاد مستضعفان در دست‌فروشان شنیده بودیم اما بابک روایتی متفاوت از این بسته به ما می‌دهد. «نزدیک عید یکی از نمایندگان شورای شهر اطلاع‌رسانی کرد که بنیاد مستضعفان بسته حمایتی یک میلیون‌ی قرار است به دست‌فروش‌ها بدهد. هرچند پرداخت پول نقد آن هم به این میزان فقط می‌تواند به عنوان یک چسب زخم برای یک زخم کاری عمل کند اما باز هم می‌توانست روزنه‌ای در این روزهای سخت باشد. در مرحله اول اعلام شد که بین چهار هزار نفر و در مرحله دوم بین پنج هزار دست‌فروش این پرداخت انجام شده اما این دست‌فروش‌ها چطور شناسایی شدند و آنها چند درصد مجموع جمعیت دست‌فروش‌ها بودند؟ آن‌طور که می‌دانیم شهرداری و شرکت شهریان این دست‌فروش‌ها را شناسایی کرده بود، در صورتی که آنها خودشان ذی‌نفع هستند. این

شناخته شویم و دولت ما را هم ببیند؟ تازه در همین دوره ما را به عنوان افراد خطرناک ناقل کرونا هم معرفی می‌کنند. مغازه‌دار اگر برای کسب و کارش تلاش می‌کند دست‌فروش برای بقایش دارد روز و شب را در خیابان می‌گذرانند. در این دو ماه هم به لحاظ درآمدی تحت فشار بودیم و هم بیمه درمانی برای درمان نداشته‌ایم».

ضرورت وجود یک تعاونی

مریم ایثاری، پژوهشگر حوزه اقتصادی تهیدستان شهری هم در این‌باره به «شرق» توضیح می‌دهد: آمار دقیقی از افرادی که مشغول در مشاغل غیررسمی هستند، موجود نیست. اینکه چند نفر هستند؛ چند نفر آنها درآمدشان را ناشی از شیوع ویروس کرونا از دست داده‌اند و چه تعدادی متاثر از کرونا معیشتشان به‌خطر افتاده است. مثلا زباله‌گرد‌ها از آنجا که قرارداد رسمی با کارفرمایی ندارند؛ توصیف کمی هم از آنها نمی‌توانیم داشته باشیم. کسانی مانند زباله‌گرد‌ها به شکل واسطه‌ای برای پیمان‌کار کار می‌کردند و بازگشت به کارشان هم مبهم است. خیلی‌ها مجبور به تغییر شغل و رفتن به سمت کارهای ساختمانی شدند. به لحاظ جمعیتی شناخت آنها دشوار است.او ادامه داد: دولت درگیر یک پارادوکسی است که از طرفی می‌داند اینها قشر نیازمندی هستند و از طرفی نمی‌توانند آنها را به رسمیت بشناسد. به‌رسمیت‌شناختن و رصدکردن و بسته حمایتی آنها با سیاست مخدوشی روبه‌روست. دولت این توانایی را دارد که بسته حمایتی‌دادن به گروه‌های غیررسمی باعث به‌رسمیت‌شناختن آنها شود. درصورتی که لازم است از طریق سامانه‌ای اطلاعات آنها را ثبت کند و سیاست‌گذاری اجتماعی بلندمدتی در برابر این مشاغل در پی بگیرد. دست‌فروش‌هایی که در پارکینگ پروانه و زیرگذرها کار می‌کردند و اجاره به شهرداری می‌دادند، شناسایی شدند و مبلغ یک میلیون تومان هر چند اندک به آنها تعلق گرفت اما دست‌فروش‌های معابر از همین حمایت هم محروم ماندند. در حالی که کسی که یک غرفه ۱۲امیلونی توانسته اجاره کند به اندازه یک دست‌فروش معبری شاید نیازمند نباشد.او تأکید می‌کند: دست‌فروش‌ها نیاز به تعاونی دارند که نمایندگان آنها به شکل رسمی اطلاعاتی از آنها جمع‌آوری کنند و این شناسایی را ممکن کند. هیچ رصدی وجود ندارد. در تعاونی باید از هم نهادهای مدنی و هم دست‌فروش‌ها حضور داشته باشند. بنابراین ایجاد یک پوشش حمایتی از این قشر نیازمند یک تشکرکلیایی است. اینکه مشخص شود چه نیازهایی دارند و چه زبان‌هایی دیده‌اند. در دوران کرونا عده‌ای به خاطر در گسره خطربودن خود با اطرافیان‌شان مجبور به ماندن در قرنطینه هستند. یک سری دست‌فروش‌های قدیمی هستند که اطلاعات دارند می‌شود از اطلاعات آنها استفاده کرد. بسته حمایتی در حد حقوق یک ماه‌شان به آنها پرداخت شود.

مقایسه وضعیت معدن زغال‌سنگ گلستان با بزرگ‌ترین حادثه زغال‌سنگی در دولت اصلاحات

ادامه زمستان در یورت



عکس: یوتیوب، اندرین میزبان

این معدن بین یک میلیون و ۷۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان حقوق بازنشستگی دارند و این ارقام پایین‌تر از استاندارد است.او بیان می‌کند: ایمنی در معدن زمستان یورت تغییری نکرده و اصلاحی در وضعیت ایمنی معدن نیز ایجاد نشده است. متولیان معدن صرفا به فکر تولید زغال هستند.

قبول مسئولیت دولت در معدن سنگرود

نظارت بر وضعیت ایمنی معدن زمستان یورت بر عهده سازمان صنعت، معدن و تجارت (صمت) و اداره کار استان گلستان و شهرستان مربوطه است. تلاش‌های «شرق» برای یافتن راه ارتباطی با مسئولان برای پیگیری مطالبات معدن زمستان یورت بی‌نتیجه باقی می‌ماند اما آتیا در حوادث دیگر هم مشابه این معدن رفتار می‌شود و عسارت کارگران جبران نمی‌شود؟ نگاهی به دیگر حوادث معدنی در بخش زغال‌سنگ نشان می‌دهد گویا در این حوزه سپرت داشته‌ایم. بزرگ‌ترین حادثه زغال‌سنگی کشور در یکم تیرماه سال ۷۶ در معدن زغال‌سنگ منجیل رخ داد. معدنی که به‌مراتب بزرگ‌تر با ذخایر بیشتر زغال‌سنگ نسبت به زمستان یورت بود. در آستانه روی کارآمدن دولت اصلاحات، معدن سنگرود حد بین دو میلیون و ۱۰۰ تا دو میلیون سالگرد ۳۱ خرداد و زلزله مهیب منجیل (که کل منطقه

یادداشت

آینده بانکداری و تأمین مالی (قسمت دوم)



✱ محمدهادی موقعی

دبیر انجمن لیزینگ

● چرا بانک‌ها و شرکت‌های مالی نمی‌توانند با برخی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده اقتصاد چرخشی بعد از کرونا کنار بیایند؟ برای پاسخی درخور باید به عنصر ریسک در این شکل از اقتصاد و کسب‌وکار نگاه کنیم. کسب‌وکارهای لوپ و اقتصاد مبتنی بر بازیافت چه ریسکی را در ذات خود خواهند داشت؟ اقتصاد اشتراکی یکی از دستاوردهای این دگردیسی کسب‌وکار و اکوسیستم‌های اقتصادی خواهد بود؛ زیرا براساس پیش‌فرض اخلاق‌مدارانه و دوستدار محیط زیست و کاهش ضایعات، خودروها باید در چرخه اقتصاد جدید قرار بگیرند و بازارهای ثانویه آنها گردش بالایی را داشته باشند. این نوع اقتصاد، کسب‌وکار به اشتراک‌گذاری را رواج خواهد داد. برای نمونه به تحولی که در صنعت خودرو رخ خواهد داد، توجه کنید. ازبین‌رفتن مفهوم مالکیت و جایگزینی مفهوم بهره‌برداری‌های متنوع از خودرو در قالب قراردادهای اشتراک‌گذاری، نمونه‌ای از این تحول بوده که نظام تأمین مالی با رویکردهای فعلی نمی‌تواند تأمین‌کننده منابع مالی برای این کسب‌وکارها باشد. دیگر بخش‌ها در دارایی‌های ثابت و اقالم سرمایه‌ای نیز همین روال را تجربه خواهند کرد.

در بانکداری فعلی، وام‌ها به صورت مالک – خودرونی است؛ ولی در اقتصاد اشتراکی وام‌ها به صورت مشتری – خودرویی خواهند بود. پس وام‌گیرنده کیست؟ در دفاتر بانک‌ها و شرکت‌های لیزینگ چه کسی نامش در حساب بدهکاران ثبت خواهد شد؟

در اقتصاد فعلی، بانک‌ها و وام‌دهندگان مدل‌های اعتبارسنجی، متون قرارداده‌ا و مستندسازی وام‌ها را خود طراحی و شکل می‌دهند؛ ولی در اقتصاد بعد از کرونا همین اقدامات بین بانک‌ها و شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات و کالا و سرویس‌دهندگان شکل خواهد گرفت. بانک‌ها نمی‌توانند در درون حصار خود آیین‌نامه بنویسند و بعد به مشتریان تحویل کنند. آیین‌نامه‌های اعتباری، قراردادهای وام و مدل‌های اعتبارسنجی، از انحصار بانک‌ها خارج خواهند شد. از این جنبه شرکت‌های لیزینگ پیشرفته‌تر از بانک‌ها هستند؛ زیرا قبل از کرونا در این مدل آزموده شده‌اند.

در اقتصاد چرخشی، قراردادهای وام حرف اصلی را می‌زنند. متون این قرارداده‌ا باید براساس مدل کسب‌وکار شرکی که خدمات یا کالا را می‌فروشد و سرویس‌دهنده یا توسعه‌دهنده پلتفرم است، طراحی و تنظیم شوند. پس اولین خاستگاه ریسک در اعتبارات بعد از کرونا، متون قراردادهای وام خواهند بود.

اقتصاد اشتراکی یک ریسک دیگر نیز برای بانک‌ها خواهد داشت. در اقتصاد اشتراکی، مشتریان عمدتاً دارای درآمدهای پایین و از طبقات ضعیف خواهند بود. بانک‌ها به طور تاریخی و سنتی تمایلی به جذب طبقات ضعیف و کم‌درآمد ندارند. پیش‌فرض بانک‌ها برای جذب مشتری، ثروت و توان مالی است. این یک تعارض آشکار در اقتصاد چرخشی و لوپ، برای نظام تأمین مالی خواهد بود.ورودی منابع مالی به بانک‌ها نیز تابعی از شرایط متحول‌شده ناشی از اقتصاد چرخشی و اشتراکی خواهد بود. بانک‌ها باید از دارندگان پول وام بگیرند! جذب سپرده کافی نخواهد بود. شاید با این مفهوم کمی مشکل داشته باشید. به عبارتی مدل‌هایی از واسطه‌گری مالی که می‌تواند با اشخاص در اعتقاد قراردادهای دریافت پول منعطف‌تر باشد، پیروز میدان خواهند بود. نکته مهم دیگر این است که کسب‌وکارهای چرخشی برای شلک‌گیری و نهاده‌شدن راه سختی دارند و به‌همین‌دلیل در آغاز به‌شدت نیازمند منابع مالی خواهند بود. بانک‌ها و وام‌دهندگان باید براساس شرایط سخت آنها طراحی مدل‌های خود را انجام دهند.

جریان‌ات نقدی در اقتصاد چرخشی

به جای اینکه یک وام بزرگ به یک فرد بدهید، باید وام‌ها را به عمر کالا و دارایی‌ها بدهید. پس طرف حساب بانک‌ها و شرکت‌های مالی، طول عمر یک دارایی در اقتصاد چرخشی خواهد بود، نه یک شخص وام‌گیرنده. مگر می‌شود که عمر یک دارایی وام‌گیرنده باشد؟! در اینجا یک عنصر دیگر به قراردادهای وام اضافه خواهد شد. جریان‌ات نقدی با کمک شرکت‌های درگیر در کسب‌وکار ایجاد می‌شوند. پس ساختار و ماهیت وام‌گیرنده باید در متن قرارداد به جای یک شخص، تبدیل به یک جریان مالی بین مشتریان، فروشندگان و سرویس‌دهندگان باشد. ساختار پرداخت‌ها و زمان‌بندی‌های آن برای بازگشت جریان‌ات نقدی، از طرف بانک یا شرکت مالی تعیین نخواهد شد. مدل کسب‌وکار بانک‌ها و شرکت‌های مالی به مدل کسب‌وکار تأمین مالی چرخشی و لوپ تبدیل خواهد شد. در آینده منتظر خدمات چرخشی تأمین مالی باشید.